



## نقش هنر و ادبیات (شعر داستان و...) در فرآیند هویت یابی کودکان

مریم صحرائیان

maryamsahrai68@yahoo.com

طوبی کاظمی میرکی

Hnka5879@gmail.com

### چکیده

از هویت تعاریف و تعبیر زیادی به عمل آمده است اما به طور کلی هویت روایتی است که فرد در مورد خود دارد و این شاید ساده ترین تعریف از هویت باشد. مهم ترین نکته ایجاد و شکل گیری یک هویت و شخصیت مثبت و کارآمد برای فرد است که در ایجاد این نوع هویت عوامل و نهادهای مختلفی سهیم اند. نهاد های آموزشی و مدارس با توجه به توانایی های دانش آموزان، و قبل از آن با توجه به دانش و آگاهی های خود می توانند نگرش کودک را نسبت به خود تغییر دهد. یکی از ابزار های مهم آموزشی در این زمینه هنر و ادبیات است. کاربرد قصه ، افسانه ، شعر ، سرود ، موسیقی ، نمایش و... توسط اهل فن در زمان کودکی فرد می تواند به رشد عالی هویت او کمک کند. این مقاله به مقوله نقش بنیادی هنر و ادبیات در فرآیند هویت یابی کودکان پرداخته است تا بتوان الگویی برای تحول در حوزه ادبیات داستانی و هنر ایجاد کرد و این تحول راهگشای مشکلات هویت یابی در کودکان گردد.

واژگان کلیدی: هویت ، هنر، ادبیات ، شخصیت



## مقدمه

امروزه مهم ترین اصل و نکته در هر جامعه ای ایجاد و شکل گیری یک هویت و شخصیت پویا در افراد جامعه است که در این بین عوامل و نهاد های مختلفی تاثیر گذارند. فرد در فرآیند دست یابی به هویت کامل انسانی از عوامل گوناگونی نظیر خانواده ، نهاد های آموزش و پرورش ، نظام سیاسی و فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه ، رسانه ها و مطبوعات و... تاثیر می پذیرد. هویت معرف یک رابطه فکری است. در تحلیل فلسفی، هویت به مثابه رفع اختلالات دریافتی در ارتباط با آنچه دارای اختلاف و کثرت است تلقی می شود. انسان بیش از همه یک موجود طبیعی است و به اعتبار آن از یک هویت طبیعی برخوردار است. یکی از عوامل در شکل گیری هویت انسان نقش و نفوذ هنر و ادبیات است. هنر مجموع هویت آدمی را کشف می کند و به آن شفافیت بیرونی می دهد. این امر به ویژه در سنین کودکی بسیار نمود پیدا کرده و در این سن فرد با شوق زیادی تمام توانایی ها ، خلاقیت و مهارت های خود را به کار میبرد و به خلق آثار هنری می پردازد. همین امر ضرورت نقش هنر و ادبیات در ایجاد هویت کودکان را نشان می دهد. مهم ترین فرضیه و هدفی که در این نوشتار در پی پاسخگویی به آن هستیم عبارت است از اینکه آیا هنر و ادبیات داستانی تاثیر ژرف و شگرفی در هویت یابی کودکان دارد یا خیر؟

## روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی\_ تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه ای است.

## هویت

تشکیل هویت عبارت است از اینکه مشخص کنید چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید، و تصمیم گرفته اید چه مسیری را در زندگی دنبال کنید. (برک ، ۱۳۹۲) من کیستم؟ از کجا آمده ام؟ زندگی چیست؟... این قبیل سوالات از جمله سوالاتی هستند که در مراحل مختلف زندگی ممکن است با آن مواجه شویم و پاسخگویی به این سوالات است که شاکله هویت فرد را شکل میدهد. در واقع هویت روایتی است که فرد در مورد خود دارد. به نظر اریکسون مفهوم هویت دو جنبه دارد: از یک سو احساسی است که فرد نسبت به خود دارد؛ یعنی خود سنجی؛ و از سوی دیگر، روابط بین هویت شخصی و توصیف هایی است که دیگران ( افرادی که برای فرد مهم اند) از او دارند. (کدیور، ۱۳۹۳)

مفهوم خود در یک کودک تحت تاثیر محیط و رفتاری است که اطرافیان با او دارند، اگر او را دوست بدارند احساس کودک در مورد خودش مثبت خواهد شد اما اگر بی علاقه و خشن رفتار کنند کودک نگرشی منفی نسبت به خودش خواهد داشت.



اما دیدگاه های متفاوتی در رابطه با ثبات هویت وجود دارد.

۱- دیدگاه ذات گرایانه: از نظر این دیدگاه هویت، ثابت؛ پایدار و یکپارچه است.

این رویکرد فطرت مشخصی برای کودکان قائل است و اهمیتی برای نقش محیط و ساختار اجتماعی در شکل گیری هویت قائل نیست.

۲- رویکرد ساخت گرایی اجتماعی: این رویکرد هویت را مقوله ای ثابت و یکپارچه نمیداند، بلکه بر این عقیده است که هویت تحت تأثیر دیدگاه ها و ایدئولوژی های رایج در جامعه دائما در حال تغییر است.

۳- رویکرد گفتمانی: این رویکرد معتقد است که هویت تحت تأثیر گفتمان است. از این رو فرد باتوجه به جایگاهی که نسبت به هرگفتمان دارد دارای هویت های چندگانه میباشد.

مدرسه میتواند با توجه به توانایی های دانش آموزان، وضعیت موجود آنها را شناسایی کند و با ارزش گذاری بر تلاش آنها به تدریج نحوه جدیدی از تبیین رویدادها را برایشان فراهم کند و نگرش دانش آموزان را نسبت به خویشتن و روابط با همسالان تغییر دهد. (کدیور، ۱۳۹۳)

وضعیت هویت علت و معلول شخصیت است. در صورتی که والدین، کودکان خود را حمایت عاطفی کنند و زمینه لازم جهت آزادانه کاوش کردن را فراهم نمایند فرزند آنها خود پنداره سالمی را پرورش خواهد داد.

### بررسی مختصر نظریه هایی در زمینه هویت کودکی

کودک مینیاتوری: در قرون وسطی از کودک انتظاراتی شبیه بزرگسالان داشتند و دوران کودکی متمایز از بزرگسالی شناخته نمیشد.

رفتارگرایی: رفتارگرایان معتقدند مهمترین نقش در آموزش کودکان بر عهده عوامل محیطی است و تأکید بسیاری بر شرطی شدن از طریق تشویق و تنبیه دارد.

تشویق از دو قسمت تشکیل شده: حرفهای ما و برداشت بچه ها. حرفهای ما باید به وضوح بیانگر ستایش ما از تلاشها، کارها و... بچه باشد و باید طوری حرف بزیم که بچه از لابلای حرف های ما به نتایج واقعی درباره شخصیت خودش برسد. حرفهای ما باید مثل یک بوم جادویی نقاشی عمل کند تا کودک بتواند روی آن تصویر مثبتی از خود بکشد. (گینوت، ۱۳۷۰).

کارکرد گرایی: کارکردگرایان کودکی را دوره کسب مهارت برای ایفای نقش در بزرگسالی میدانند.

مطالعات فرهنگی: در این دیدگاه باور بر این است کودکان تنها دریافت کنندگان منفعل آموزه های جامعه پذیری نیستند بلکه این امکان وجود دارد که در قالب تفسیر کننده پیام، کنشگر اجتماعی فعال و حتی مشارکت کننده خلاق فعالیت نمایند.



جامعه شناسی کودکی: جامعه شناسی جدید کودکی توجه بسیاری بر مباحثی نظیر ساختار و عاملیت در کنشگری کودکان، مناسبات قدرت، خاص گرایی و عام گرایی دارد و همچنین بر این باور است که هویت کودکی، برساخته اجتماعی و فرهنگی است و انتظارات از کودکی را اولویت های ایدئولوژیک جامعه شکل میدهند.

دکتر هدفیلد روانشناس معروف و بنیان گذار کلینیک تاویستوک عقیده دارد شخصیت کودک در چهار مرحله تکوین می یابد و کودک باید از چهار مرحله بگذرد تا واجد شرایط مستقلی برای خود شود. در نخستین مرحله کودک به تقلید میپردازد. سپس تلقین پذیر میشود. در سومین مرحله خود را به جای اشخاص دیگر فرض می کند. در آخرین مرحله قالبی از اوصاف و کمالاتی که در دیگران دیده و به نظرش پسندیده آمده درست میکند و آنوقت تمام اعمال و حالات خود را با آن قالب اندازه گیری میکند. و این مرحله تکوین شخصیت مستقل و کامل کودک است. (خلیلیان، ۱۳۶۷)

تقلید یعنی تکرار اعمال و حرکت دیگران حال آنکه تلقین پذیری به حالات نفسانی و خوی و افکار مربوط می شود. تقلید به تدریج به تلقین پذیری می انجامد. در روانشناسی تلقین پذیری به عنوان یک تعلق روانی مطرح شده است که مبتنی بر نیازهای حسی و عاطفی کودک می باشد. با استفاده از حس تلقین پذیری کودک، میتوانیم کودک را همانگونه که می خواهیم تربیت کنیم. افرادی که با کودک سر کار دارند باید آگاه باشند که کودک به واسطه حس تلقین پذیری اش، آینه ای صاف و گیراست که هر چه در برابرش قرار دهند آنرا گرفته و انعکاس می دهد. اگر در برابر او حالات متعادل و رویه نرم و مثبتی داشته باشید کودک عیناً همان ها را در وجود خود پیاده می کند. ادبیات و هنر از عواملی است که با استفاده از تمایل به تقلید و تلقین پذیری انسان، خصوصاً در سنین کودکی می تواند در تکوین شخصیت و آموزش و پرورش اثراتی برجسته داشته باشد. چنان که در عین حال می تواند، انگیزه کنجکاوی و جستجوگری وی را قوت بخشیده و به مطالعه و تفکر بیشتر او بیانجامد. (میرزا بیگی، ۱۳۷۳) باید به این نکته توجه داشت که آغاز دوران کودکی با محدودیتهای ذهنی - عقلانی همراه است و همزمان با افزایش سن کودک به طور طبیعی برخی توانایی های تازه ذهنی و عقلانی در او ایجاد می شود. توانایی های جدید که در فرد ایجاد میشود انسان را در هر مرحله قادر به درک بهتر از پدیده هایی می سازد که تا پیش از آن در درک آنها ناتوان بوده است. این توانایی های شناختی رفتار و زندگی فرد را تحت تاثیر قرار خواهد داد و توجه به آن در تعلیم و تربیت وی نقش موثری خواهد داشت.

## هنر و ادبیات

ادبیات و هنر در فرهنگ و تمدن کنونی بشر جایگاه ویژه ای دارد. گسترش معارف بشری و دستاوردهای فکری و عملی نه تنها از نفوذ هنر در جوامع کنونی نکاسته، بلکه همراه با پیشرفت تکنولوژی، شیوه ها و وسایل متنوع تر و پیچیده تری در





آفرینش، تولید و ارائه آثار هنری پدید آمده است. ضمناً کاربرد هنر، مقاصد و اهداف مختلفی از زندگی فردی و جمعی را در بر میگیرد. امروزه علاوه بر کاربرد هنر در مراسم اعتقادی، جمعی و جشن ها و برنامه های تفریحی و سرگرم کننده نقش هنر در زمینه های آموزشی، پرورشی، درمانی و نیل به مقاصد خاص اجتماعی و سیاسی بیش از پیش شناخته شده است (میرزا بیگی، ۱۳۷۳)

### مختصری در ارتباط با دو رویکرد قطبی به مفهوم کودکی

**رویکرد کودک همچون هدف:** این رویکرد تاکید بر آگاهی، خلاقیت، تمامیت و کمال کودکان و همچنین گرایش آنها به عشق و آزادی دارد و بر این عقیده است که بزرگسالان گرفتار عدم آگاهی واقعی، در خود ماندگی و نقص هستند و گرفتار منطق روزمرگی اند. آنها برای رسیدن به رستگاری نیاز دارند دوباره کودک شوند.

**رویکرد کودک همچون وسیله:** بر عدم آگاهی و نقص، در خود ماندگی و گرایش کودکان به غرایض پست تاکید دارد و بزرگسالان را مجهز به آگاهی بی قید و شرط و به کمال رسیده می پندارد. به باور این دیدگاه کودکان برای رسیدن به کمال و رشد باید تمام و کمال خود را به بزرگسالان واگذار نمایند.

هدف ادبیات کودک هم از راه تحلیل کودکی و رسیدن به مفهوم کودکی قابل دستیابی است و هم از طریق تحلیل افسانه ها و آثار کلاسیک ادبیات کودکان. از این رو به اختصار در ارتباط با افسانه ها صحبت خواهیم کرد.

### قصه و افسانه

افسانه ها طی سالیان دراز به خوبی توانسته اند با کودکان ارتباط برقرار کنند و از آنجا که برخاسته از ناخودآگاه انسان ها می باشند، محک خورده در ذهن نسل ها و جوامع مختلف هستند. از میان افسانه های ایرانی می توان به مجموعه چهار جلدی افسانه های کهن و همچنین افسانه ها نوشته صبحی مهتدی اشاره کرد.

عبارت یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود که در اکثر افسانه ها در آغاز استفاده می شود تعبیری عرفانی دارد و بر وحدت و یگانگی آغاز هستی قصه اشاره میکند. پس از آن شخصیت ها معرفی می گردند و بلافاصله بحران داستان آغاز میشود. توصیف موقعیت ها و شخصیت ها معمولاً فضایی آرام و توأم با محبت و عشق را نشان میدهد «... بزی بود که بهش می گفتند بز زنگوله پا. این بز سه تا بچه داشت. شنگول، منگول، حبه انگور. اینها با مادرشان نزدیک چراگاه زندگی می کردند...» (بز زنگوله پا) بز تداوی کننده شادی است و اسامی بزها آهنگین و معنایی نشاط بخش دارد؛ زندگی آنها در کنار مادر و به ویژه نزدیک چراگاه (به راحتی تغذیه شدن و زندگی در کنار مادر) نیز بیانگر امنیت روانی این کودکان است. سپس



این حالت بدون هیچ فاصله ای شکسته میشود و مورد هجوم قرار میگیرد. به طور مثال در داستان بز زنگوله پا حمله گرگ بحران ایجاد میکند. در ادامه نتیجه با کسب تجربه و چیرگی بر این وضعیت حاصل می شود.

هنرنیز سهم قابل توجهی در اشاعه رفتارهای مناسب، باروری فکر، نگرش ها و گرایش های مطلوب، حرکت های جمعی و تحولات سازنده اجتماعی دارد و جهت نیل به اهداف مختلف همچون وسیله ای موثر مورد استفاده قرار میگیرد. از این رو می توان چنین استنباط نمود که هنر و پدیده های هنری رابطه ای تنگاتنگ با ویژگی ها و نیاز های درونی انسان دارد. باید به این نکته توجه داشت که یک اثر هنری زمانی برای کودکان تاثیر گذار خواهد بود و پیامدهای مطلوب خواهد داشت که ضمن هماهنگی با ویژگی های فرهنگی اجتماعی وهم سو بودن با اهداف آموزشی ، با ویژگی ها و نیازهای سنی و فردی کودک نیز هماهنگ باشد و از کشش و گیرایی لازم برای برقراری ارتباط با مخاطب برخوردار باشد. در زمان حاضر با بهره گیری از تکنولوژی دیداری شنیداری و رسانه های جمعی ، قصه ها و افسانه ها به گونه ای متفاوت و با تنوعی فزاینده از گیرایی ویژه و نقش قابل توجهی برخوردارند. از آنجایی که حس کنجکاوی در دوران کودکی از شدت بیشتری برخوردار است و از ویژگی های خاص این دوره به شمار میرود، وجود چنین تمایلی در کودکان انگیزه های لازم جهت دیدن و شنیدن مطالب تازه را فراهم می آورد و سبب استقبال آنان از موارد گوناگون خواندنی و داستان های علمی و ماجراجویی میشود. با به کارگیری شیوه های مناسب و مورد علاقه کودک میتوان به ارائه مفاهیم آموزشی پرداخت و به مقاصد تربیتی موردنظر نایل آمد.

## شعر و سرود

کودک از همان سال های اولیه زندگی در برابر صداهایی مانند سرود و موسیقی با حرکات بدنی واکنش نشان می دهد و زمانی که لب به سخن میگشاید از تکرار کلام موزون لذت میبرد و تلاش می کند قافیه پردازي نماید و در گفتار روزمره اش واژه ها و عبارات آهنگین به کار برد. تلاش کودکان برای آفرینش کلام موزون نمایانگر استعداد و علاقمندی آنها در زمینه های خاص فعالیت های ادبی و کلامی است.

قطعه شعری زیبا و پر معنی می تواند عواطف آدمی را تحت تاثیر قرار داده و وجدان خفته وی را بیدار سازد. حیات را در نگاهش جلوه دیگر بخشد . گرایش ویژه ای را در وی ایجاد و تقویت نماید ، و به رفتارش شکل بخشد و آن را در جهت هدف هایی مشخص سوق دهد.

در ذهن کودک هنور قانده ای نیست. شناخت او حسی است و پراکنده. کودک گرفتار بیش تعمیمی است و در واقع با این ویژگی - بیش تعمیمی - قواعدی ساختگی می آفریند. قواعدی که همچون فرضیه های غیر منطقی، چندان نمی پاید و دم به دم جای خود را به فرضیه های تازه میدهد. بنابر این همه چیز برای او حادثه است . به عبارتی حادثه برای او قاعده است.



استثنا برای اوقاعده است. کودک هرگاه به قاعده برسد لذت درونی و ژرف را تجربه می کند زیرا در این حالت فرضیه او که حاصل عدم تعادل شناختی اش است مورد تأیید قرار گرفته..... پس آنگاه که کودکی پنج ساله میگوید « وقتی آدم عاشق می شود، هی سرفه میکند»..... کودک پنج ساله ما به سادگی با دیدن کسی که عاشق است - یا گفته میشود عاشق است - و با مشاهده سرفه او و یا با مشاهده عاشقی که به هنگام ابراز عشق سرفه اش گرفته، رابطه علت و معلولی بین عشق و سرفه برقرار کرده است. (خسرو نژاد، ۱۳۸۹) قطعه ای از موسیقی می تواند به سهم خود، احساسات ویژه ای را بارور سازد و به انسان شور و حرکت بخشد. و گاه توام شدن شعری مطلوب با آهنگ و صدایی دلنشین، همراه با موسیقی مناسب سرودی جاذب و مفید را عرضه می نماید، که برای توده جامعه، از تاثیراتی عمیق و کارآمدتر برخوردار خواهد بود. (میرزا بیگی، ۱۳۷۳)

### نمایش

از زمانی که کودک سخن گفتن و راه رفتن را می آموزد به تدریج با محیط و پدیده های اطراف خود آشنا میشود و در همین زمان به تقلید از دیگران رفتارهای مختلف را نمایش می دهد و از این طریق به تکرار و باز آفرینی مشاهدات، تجربیات، تقلید از والدین و دیگر افراد می پردازد. گفتگوی دختر خردسال با عروسک خود، امر و نهی کردن به آن؛ جان بخشیدن به اشیا..... از رفتار های بارز کودکان پیش از دبستان است. کودک به وسیله بازی و فعالیت های نمایشی و همچنین باز سازی صحنه های مورد نظر در افزایش مهارت ها و تکوین شخصیت و رشد ابعاد مختلف آن نقشی فعال بر عهده میگیرد. کودکان تمایل زیادی به بازیگری نقش ها و همچنین مشاهده فعالیت های حیوانات و افراد و حوادث پیرامون خود دارند از این رونمایش ها و فیلم های داستانی که در ارتباط با اعضای خانواده، حیوانات آشنا برای آنها باشند از کشش و گیرایی خاصی برخوردارند. بازی های نمایشی علاوه بر این که به رشد اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس و رشد قدرت تکلم کودک کمک میکند در پرورش نیروی تخیل؛ رشد ذهنی و پرورش خلاقیت، و همچنین حل مسائل و مشکلات و انجام فعالیت های ابتکاری نیز نقش موثری ایفا می نماید.

اگر تئاتر برپا شده است که به وسیله ارائه نقش ها، ارتباط عاطفی فراهم آورد، پس مطمئناً دارای نیرویی واقعی و بالقوه برای تاثیر گذاشتن بر زندگی انسانها است. .... اگر بپذیریم که تئاتر خواه نا خواه بر کودک اثر می گذارد، نخستین فرآیندی که در تئاتر این تاثیر را ایجاد میکند همانند سازی است. همانند سازی یا همدات پنداری را این چنین می توان تعریف کرد: بروز نوعی پیوند قوی با نقشی در روی صحنه، در نتیجه درک برخی از ارتباطات بین آن نقش و خود. (گلد برگ، ۱۳۸۷)

تقابل بین خوبی و بدی از کشمکش های ضروری برای پیش برد داستان نمایش است بدون کشمکش نمایشی وجود ندارد. کودکان زیر نه سال در حال آموختن این ارزش ها بر اساس تفسیر محیط خاص اطرافشان هستند و این کشمکش ها برای آنان





جالب است. بنابر این کودکان خردسال نیازمند این هستند که مفهوم خوب و بد را واضح و مجزا از یکدیگر ببینند. بدی را باید به گونه ای نشان داد که واضح و روشن باشد و به گونه ای نباشد که ترسناک جلوه کند.

تئاتر میتواند ارزشها را آموزش داده و به آنها ذهنیت ببخشد اما باید به این شرط توجه داشت که خوب و بد از راه هایی به نمایش در آید که متناسب با ادراک گروه سنی مورد نظر باشد. حقیقت این است که حضور کودکان و واکنش آنها به نمایش، شکل مداوم ارتباط از آغاز تا پایان است. گاهی اوقات کودکان تشویق می شوند که هنگام تماشای نمایش نظرات و احساسات خود را با صدای بلند ابراز کنند، ... آن ها گاهی گریه می کنند، می خندند و یا تشویق می کنند و در عوض از سوی بازیگران آگاه به این علائم، پاسخ میگیرند... کودک به عنوان یک مشاهده کننده، نوع کنش تصویر روی صحنه را از همان لحظات اولیه اجرا می فهمد و به طور فیزیکی و یا کلامی در این کنش شرکت می کند. (فدایی حسین، ۱۳۸۸)

یکی از نیاز های کودکان احتیاج به بازی است. بازی های ورزشی، بازی های هوش، بازی های هنری و... و سازماندهی این بازی ها در کودک فطری است. بازی های نمایشی که یکی از انواع بازی های هنری است نطفه تئاتر محسوب می شود. بازی های نمایشی بخشی از نیاز های روانی و جسمانی کودک را ارضا میکند. کودک در راستای این بازی هاست که زندگی کردن را می آموزد و از نزدیک با آن آشنا می شود. او در این نوع بازی ها با تقلید از زندگی، در حقیقت زندگی کردن را تمرین میکند. تمرین آداب معاشرت، خوردن، خوابیدن، مریض شدن، مداوا شدن، مدرسه رفتن، مبارزه کردن، کار کردن و... او در واقع با این بازی ها آموزش، تربیت و پرورش را تجربه می کند و این مقوله کم اهمیتی نیست. شاید بتوان گفت که به همین دلیل هم هست که گرایش به این بازی ها در طبیعت انسانی به ودیعه گذاشته شده است. (کیانیان، ۱۳۸۷)

از پیشگامان ادبیات نمایشی کودکان در ایران می توان از جبار باغچه بان یاد کرد. وی با نوشتن قطعات نمایشی برای کودکان پیش دبستان نام خود را به عنوان پدر ادبیات نمایشی کودکان در ایران ثبت کرد. همچنین پدید آوردن مواد آموزشی و کمک آموزشی برای کودکان پیش دبستانی اهمیت آثار او را دو چندان کرد. او اجرای نمایش را یکی از بنیان های مهم آموزش پیش دبستانی می دانست. به همین سبب هنگامی که در سال ۱۳۰۳ کودکستان باغچه اطفال در تبریز را بنیان نهاد، دست به کار نوشتن نمایشنامه های گوناگون شد و به یاری همسرش که با موسیقی آشنا بود در کودکستان نمایش های آهنگین اجرا کرد. اولین اثر باغچه بان نمایشنامه خُرخر است که با کمک کودکان و مربیان به اجرا در آورد. (علوی و احمدی، ۱۳۸۶)

**نقاشی:** کودک از مشاهده آنچه که در ایجادش دخالت داشته باشد لذت می برد. نقاشی های او از حالت خط خطی و مبهم به تدریج رشد می کند و حالتی آگاهانه تر به خود می گیرد؛ از طریق نقاشی های خود سخن می گوید و عواطف، افکار، عقاید، نیاز ها؛ تمایلات و محدودیت های زندگی خود را بیان می کند. با استفاده از اینگونه فعالیت ها میتوان جهت رشد خلاقیت،





اعتماد به نفس و همچنین دیگر جنبه های آموزشی و تربیتی اقدامات موثر به عمل آورد. این هنر نقش بارزی در ایجاد تاثیر و تحول فردی و اجتماعی در کلیه سنین بر عهده دارد.

نقاشی های کودک بازتاب درک وی از عملی است که انجام می دهد. اغلب کودک متوجه تغییر رفتار خود نمی گردد، لیکن نقاشی هایش ملاک موفقیت و یا عدم موفقیت او در رسیدن به اهداف مورد نظر خواهد بود. این تغییر رفتار ممکن است در زمینه مهارت های ادراکی باشد مانند، تشخیص هارمونی رنگ ها ، رشد شناخت و روابط فضایی اجسام ، آگاهی بیشتر نسبت به تناسب ها و غیره. (واثقی ، ۱۳۹۶)

کودکان پیش دبستانی با علاقه و شوق زیادی تمام توانایی ها ، خلاقیت و مهارت های خود را به کار می برند و آزادانه به خلق آثار هنری می پردازند. از مهم ترین نکات در درک آثار هنری کودکان توجه به فردیت نقاش و سعی در شناخت و درک خصوصیات فردی آنها است. کودکان سعی بر این دارند تمامیت وجود خود را همانگونه که هست به تصویر بکشند به این معنی که احساسات ، تمایلات ، افکار و کشفیاتشان را در نقاشی ها منعکس میکنند.

نقاشی کشیدن برای کودک، باید تبدیل به امری مفرح و دوست داشتنی شود. کودکان به طور غریزی نقاشی کشیدن را دوست دارند ؛ چون نقاشی برای کودکان وسیله ایست برای ارتباط با دنیای بیرون. (آخته ، ۱۳۹۳)

#### نتیجه گیری

باید اذعان کرد که امروزه کاربرد هنر و داستان در پیشبرد اهداف و هویت بخشی به کودکان بیشتر از گذشته نمود پیدا کرده است. بسیاری از کشورها و همینطور صاحب نظران تربیتی از ظرفیت های هنری و ادبیات نمایشی برای نفوذ در اذهان و فرهنگ سازی و هویت بخشی در سنین کودکی برای دانش آموزان خود استفاده مینمایند. روانشناسان اجتماعی معتقدند که برای ایجاد هویت موفق و کارآمد پیام های غیر مستقیم موفق ترند، زیرا انسان ها به خصوص در دوران کودکی معمولاً از اثر پذیری آشکار از دیگران ابا دارند. بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان، اهداف هویت بخشی خود را از طریق ارائه داستان بیان میکنند.



## منابع

- خلیلیان ، سید خلیل ، ۱۳۶۷ ، با دنیای کودک آشنا شویم ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات کوکب
- گیونت ، هیم گ ، ۱۳۷۰ ، نفوذ در دنیای کودک ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات آرمان
- کدیور ، پروین ، ۱۳۹۳ ، روانشناسی تربیتی ، چاپ شانزدهم ، تهران ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)
- برک ، لورا ، ۱۳۹۳ ، روانشناسی رشد ، چاپ بیست و ششم ، تهران ، انتشارات ارسباران
- خسرو نژاد ، مرتضی ، ۱۳۸۹ ، معصومیت و تجربه در آمدی بر فلسفه ادبیات کودک ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات مرکز
- کیانیان ، داوود ، ۱۳۸۷ ، دریچه ای به تئاتر کودک در ایران ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات نمایش
- فدایی حسین ، سید حسین ، ۱۳۸۸ ، تئاتر و کودکی ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات نمایش
- گلدبرگ ، موسی ، ۱۳۸۷ ، فلسفه و روش در تئاتر کودک و نوجوان ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات نمایش
- آخته ، تکتم ، ۱۳۹۳ ، ناگفته های نقاشی کودکان ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات پویا نما
- واثقی ، مینو ، ۱۳۹۶ ، آموزش هنر ، چاپ دوازدهم ، تهران ، انتشارات دانشگاه پیام نور
- میرزا بیگی ، علی ، ۱۳۷۳ ، نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات مدرسه
- محمدی ، محمد هادی و قایینی ، زهره ، ۱۳۸۶ ، تاریخ ادبیات کودکان ایران ، چاپ سوم ، تهران ، انتشارات چیستا